

بررسی حکم استفاده از سرمه توسط شخص محرم در فقه امامیه*

- محمدمهدی یزدانی کمرزرد^۱
- حمیدرضا اصدقی^۲

چکیده

مراسم حج، احکام و دستورات ویژه‌ای دارد. در این مراسم از انجام اموری نهی به عمل آمده که سرمه کشیدن یکی از آنهاست. میان فقها درباره استفاده از سرمه توسط شخص محرم در مراسم حج اختلاف نظر وجود دارد. ریشه این اختلاف به روایات و چگونگی برداشت از آنها برمی گردد؛ چرا که در روایاتی از استفاده از مطلق سرمه نهی شده و در روایاتی دیگر تنها سرمه سیاه مورد نهی قرار گرفته و در پاره‌ای دیگر از روایات، نهی از سرمه مشروط به قصد زینت گردیده است و بالاخره دسته دیگری از روایات معطر بودن سرمه را قید حرمت قرار داده‌اند. حالت‌های مختلف استفاده از سرمه و فروض مختلف مطروحه در روایات، باعث شده است که کلمات فقها نیز در مورد بیان حکم آن، از نظم چندانی برخوردار نباشد.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹.

۱. استادیار گروه فقه و اصول دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد (yazdani@razavi.ac.ir).
۲. طلبه سطح سه حوزه علمیه خراسان (نویسنده مسئول) (asdaghi47.hamid@gmail.com).

هدف این نوشتار، دسته‌بندی فروض مختلف استفاده از سرمه و بررسی دیدگاه‌های مطرح در هر فرض و تبیین حکم آن است. مشهور فقهای امامیه به‌طور کلی سرمه کشیدن را برای محرم حرام دانسته و آن را در کنار بقیه محرمات احرام به عنوان یک حرام مستقل ذکر کرده‌اند. از بررسی روایات سرمه به دست می‌آید که این نظر مشهور قابل‌خنده است و استفاده از سرمه در حال احرام فی حد ذاته اشکالی ندارد و در واقع آنچه موجب نهی از استفاده از سرمه شده است، معطر بودن یا قصد زینت از آن است که هر یک از این دو مورد، موضوع مستقل و متفاوت با ذات استفاده از سرمه است. بنابراین، نیازی به ذکر سرمه به‌طور مستقل به عنوان یک حرام در شمار بقیه محرمات احرام نیست.

واژگان کلیدی: سرمه، سرمه سیاه، زینت، احرام، طیب.

مقدمه

ظاهر عبارات بسیاری از فقها در متون فقهی در هنگام بحث از احکام حج نشان می‌دهد که یکی از محرمات احرام، استفاده از سرمه است. آنان هنگام شمردن محرمات، این عمل را در کنار بقیه محرمات احرام و به عنوان یکی از آن‌ها ذکر می‌کنند. گروه دیگری از فقها که البته شمار آنان اندک است، استفاده از سرمه را مکروه دانسته‌اند. وقتی به روایات باب مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم که روایات در این مورد، زبان و بیان واحدی ندارند و هر دسته مطلبی را بیان می‌کنند که با بیان روایات دیگر متفاوت به نظر می‌رسد. با توجه به انواع مختلف سرمه و کاربردهای مختلف آن، لازم است یک بار دیگر این موضوع با دقت بیشتری مورد مطالعه قرار گیرد و انواع سرمه و فروض و حالات مختلف استفاده از آن، دقیق‌تر واکاوی و ادله و روایات آن بررسی و احکام فقهی آن بیان شود؛ چیزی که این مقاله سعی کرده است به بررسی آن بپردازد.

۱. تعریف سرمه

سرمه عبارت است از:

«خاکه سرب، گردی سیاه‌رنگ که از سولفور آهن یا سولفور سرب به دست می‌آید و برای سیاه کردن مژه‌ها و پلک‌ها به کار می‌رود» (عمید، ۱۳۷۷: ۷۸۶).

فرهنگ معین در تعریف سرمه آورده است:

«گرد نرم‌شده سولفور آهن یا نقره که در قدیم جهت سیاه کردن مژه‌ها و پلک‌ها به کار می‌رفته است، کحل» (معین، ۱۳۸۶: ۸۵۳/۱).

در زبان عربی به آن کحل گویند و آن چیزی است که بر چشم کشند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶۲/۳) یا چیزی است که برای شفا، آن را بر چشم کشند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۸۴/۱۱). دهخدا گفته است:

«سرمه. [سُ مَ / م] (۱) معروف است و آن چیزی است که در چشم کشند (برهان). به عربی اثمَد خوانند و به کحل مشهور است و آن سنگی است صفایحی و براق که بسایند و سوده آن را در چشم کشند و بهترین آن سرمه صفاهانی است که از کهپایه به هم رسد (آئندراج). اثمَد (ذخیره خوارزمشاهی؛ تحفه حکیم مؤمن). کحل (دهار)» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۶۲۳/۹).

۲. توصیه به استفاده از سرمه

شیخ طوسی سرمه را به دو قسم کلی به شرح ذیل تقسیم کرده است: سرمه سیاه که به آن در فارسی اثمَد گویند و سرمه سفید که توتیا نامیده می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۶۳/۵). روایات زیادی درباره خواص و کاربرد سرمه ذکر شده که ایمنی از آب سیاه و کوری (حزّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۰۰/۲)، خروج چرک از چشم (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۱۴۶/۲)، تقویت و جلای بینایی (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۵۴/۱۶)، کمک به طول سجده (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۹۳/۲۲) و بیدار ماندن (طبرسی، ۱۳۷۶: ۴۸) از جمله آن‌هاست.

سرمه میان مردان و زنان مشترک است و قبل از اینکه برای زینت به کار رود، خاصیت دارویی دارد. به همین جهت، هم برای زنان و هم برای مردان مفید است، هرچند گاهی عرف، سرمه را برای مردان زشت می‌شمارد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳: ۴۶۵/۳). رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سرمه اثمَد می‌کشید و زمانی که به رختخواب می‌رفت به تعداد فرد، سرمه می‌کشید و می‌فرمود:

«... بهترین سرمه‌های شما اثمَد است، بینایی را تقویت می‌کند و مو را می‌رویاند» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۵۴/۱۶).

نیز امام رضا علیه السلام فرمود:

«کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، پس سرمه بکشد» (حز عاملی، ۱۴۱۴: ۹۹/۲).

اصل سرمه کشیدن، به هنگام شب و موقع خواب مربوط است؛ ولی اگر کسی روز سرمه بکشد، این آرایش و زینت است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«سرمه کشیدن در شب برای بدن مفید است و در روز زینت است» (همان: ۱۰۲/۲).

۳. فرض‌های مختلف استفاده از سرمه

استفاده از سرمه، فرض‌ها و حالت‌های گوناگونی دارد. سرمه یا سیاه است یا غیر سیاه. استفاده از هر کدام از این دو، یا زینت محسوب می‌شود یا زینت محسوب نمی‌شود. در صورتی که زینت به شمار رود، یا با قصد زینت به کار گرفته می‌شود یا قصد زینت در آن نشده و برای مقصود دیگری مثلاً رفع درد چشم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورت استفاده از آن برای معالجه، یا آن تنها راه علاج است یا درمان دیگری نیز وجود دارد. همچنین سرمه یا معطر است و یا بدون عطر، و استفاده کننده از آن نیز یا مرد است و یا زن، و حالات دیگری که ممکن است برای استفاده از سرمه بتوان تصور کرد.

همان‌طور که پیشتر بیان کردیم، در این مقاله می‌خواهیم به بیان نظر فقها در مورد حکم استفاده از سرمه برای شخص محرم بپردازیم و ضمن نقل برخی نظرات، روایات باب را مورد بررسی قرار دهیم. همچنان که بعداً مشخص خواهد شد، از آنجا که این روایات دارای مضامین مختلف و متفاوت با یکدیگرند و بعضاً در بین آنها تنافی و تعارض به چشم می‌خورد و حتی گاهی صدر و ذیل یک روایت با هم تنافی دارد، ناگزیر تا جایی که ممکن است، بر اساس قاعده «الجمع مهما أمکن أولى من الطرح» باید میان آنها جمع کرد تا تنافی در حد امکان از بین برود و به همه روایات عمل شود. در میان انواع سرمه، آنچه بیشتر محل اختلاف فقهاست، سرمه سیاه است. اما استفاده از سایر انواع سرمه اگر همراه با طیب نباشد، از نظر فقها اشکالی ندارد. شیخ طوسی استفاده از سرمه غیر سیاه غیر معطر را جایز دانسته است (طوسی، بی‌تا: ۲۲۰). شیخ در جایی دیگر به جای سرمه سیاه از عبارت سرمه سفید استفاده کرده و استعمال آن را جایز دانسته است (همو، ۱۳۸۷: ۲۶۴/۵). علامه نیز همین نظر را دارد (علامه حلی، ۱۴۱۴:

۳۲۴/۷؛ همو، بی تا: ۷۸۸/۲). در عین حال در خلال مباحث آینده، حکم استفاده از انواع سرمه از جمله سرمه غیر سیاه مشخص خواهد شد.

۱۴۱

۴. نمونه‌ای از کلمات فقها در مورد سرمه

عموم فقها در هنگام بیان محرمات احرام، از سرمه هم نام می‌برند؛ چه نظرشان حرمت باشد که در این صورت باید این کار را بکنند، چون در حال شمردن محرمات هستند و چه نظرشان کراهت یا جواز باشد که در این صورت به مناسبت از آن یاد می‌کنند. ما برای نمونه به ذکر کلمات چند تن از فقها اکتفا می‌کنیم.

امام خمینی در بیان هفتمین مورد از تروک احرام می‌فرماید:

«الاکتحال بالسواد إن كان فيه الزينة وإن لم يقصدها، ولا يترك الاحتياط بالاجتناب عن مطلق الكحل الذي فيه الزينة، ولو كان فيه الطيب فالأقوى حرمة» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۴۲۲/۱)؛ سرمه با دو شرط ممنوع است: یکی اینکه سیاه باشد و دوم اینکه موجب زینت شود، حتی اگر فرد قصد زینت نداشته باشد. بنا بر احتیاط واجب، معیار در سرمه کشیدن زینت باشد؛ به این گونه که حتی اگر سیاه هم نباشد، ممنوع است. سرمه اگر خوشبو و معطر باشد، حتی اگر سیاه نباشد و یا موجب زینت هم نباشد، بنا بر اقوی حرام است.

نتیجه فرمایش امام خمینی این است که سرمه گاه سیاه است و گاه غیر سیاه، و گاه جنبه زینت دارد و گاه نه، و گاه معطر است و گاه نیست. اگر هم سیاه باشد و هم زینت، این دو با هم موجب حرمت می‌شود. اگر معطر باشد، در هر صورت حرام است. اما اگر سیاه و معطر نباشد و فقط موجب زینت شود، بنا بر احتیاط وجوبی حرام است. فرع چهارمی که از کلام امام خمینی برداشت می‌شود این است که اگر سرمه، نه سیاه باشد و نه موجب زینت شود و نه معطر باشد، استعمال آن اشکالی ندارد.

علامه در *مختلف* می‌فرماید:

«للشَّيْخِ فِي تَحْرِيمِ الْاِكْتِحَالِ بِالسَّوَادِ قَوْلَانِ: أَحَدُهُمَا أَنَّهُ مُحَرَّمٌ، ذَكَرَهُ فِي *النهائية* *والمبسوط* وَبِهِ قَالَ الْمَفِيدُ وَسَلَّارُ وَابْنُ إِدْرِيسَ، وَجَعَلَهُ فِي *الخلاف* *والاقتصاد* مَكْرُوهُاً» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۷۴/۴).

بنا بر آنچه علامه نقل کرده است، شیخ طوسی در مورد سرمه سیاه دو نظر دارد؛ در نهاییه و مبسوط آن را حرام، و در خلاف و اقتصاد آن را مکروه دانسته است.

صاحب جواهر به قول به حرمت اضافه می‌کند:

«للمفید والشیخ وسألار وبنی حمزة وإدریس وسعید وغیرهم ولكن فی الخلاف والغنیة والنافع أنه مکروه، بل عن الشیخ دعوی إجماع الفرقة علیه» (نجفی، ۱۳۶۷: ۲۰/۳۴۶).

صاحب جواهر از قول شیخ برای قول به حرمت، ادعای اجماع را نقل کرده است.

صاحب حدائق نیز این طور گفته است:

«مشهور استفاده از سرمه را حرام دانسته‌اند. شیخ طوسی در کتاب‌های نهاییه و مبسوط و نیز شیخ مفید و سلار و ابن ادریس و بسیاری دیگر از فقها قائل به تحریم استفاده از آن‌اند. نظر شیخ طوسی در کتاب خلاف بر کراهت است. صدوق در کتاب ممتنع استفاده از انواع سرمه به جز سرمه سیاه به قصد زینت را بلاشکال دانسته است. ابن جنید نیز فقط استفاده از سرمه اثم را ممنوع می‌داند» (بحرانی، بی‌تا: ۴۵۰/۱۵).

به نظر ابن براج، اجتناب از محرّمات احرام دو گونه است: اجتناب از برخی محرّمات واجب، و اجتناب از برخی دیگر مستحب است. آنگاه وی اکتحال را از دسته دوم برمی‌شمارد که ترک آن‌ها مستحب می‌باشد (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶: ۱/۲۲۲).

به نظر محقق نراقی نیز نفس اکتحال مکروه است و اگر در جایی صحبت از حرمت آن به میان آمده، به خاطر طیبی است که در آن به کار رفته است. وی در مستند گفته است:

«والثلاثة الباقية مکروهة علی الأقوی من حیث الاکتحال وإن حرم ثانیها من جهة الطیب، وفاقاً فی الأوّل للصدوق فی الممتنع والشیخ فی الخلاف وابن زهرة فی الغنیة والمحقق فی النافع بل الشرائع - حیث نسب الحرمة إلی قول - والذخیره، و فی الخلاف الإجماع علیه» (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۲/۴۳).

۵. اقوال

همان طور که از نقل این چند فراز از کلمات فقها فهمیده می‌شود، عبارات آنان درباره موضوع اکتحال خیلی شفاف و دارای دسته‌بندی کاملاً واضحی نیست. در نتیجه

برای جمع‌بندی و رسیدن به نتیجه مشخص و اطمینان‌بخش، ما باید حالات مختلف استفاده از سرمه را از هم تفکیک و متمایز کرده و حکم هر مورد را به صورت مجزا و مستقل مورد بررسی قرار دهیم. ما مسئله را در چند فرض اصلی و مهم بررسی می‌کنیم و به خاطر طولانی نشدن مطلب، از ذکر مواردی که کمتر محل اختلاف است، خودداری می‌کنیم.

۱-۵. فرض اول: حکم استفاده از سرمه معطر (سیاه و غیر سیاه)

در باره استفاده از سرمه معطر در میان فقها دو قول وجود دارد:

قول اول- حرمت: قریب به اتفاق فقها استفاده از سرمه معطر را برای محرم جایز نمی‌دانند (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۱/۱۸۴). شیخ طوسی استفاده از سرمه معطر را حتی اگر غیر سیاه باشد، جایز ندانسته است (طوسی، ۱۳۸۷: ۱/۳۲۱). علامه نیز حرمت استفاده از سرمه معطر را به مشهور نسبت داده و به روایاتی در این مورد استشهاد کرده است (علامه حلی، بی‌تا: ۷۸۸/۲؛ همو، ۱۴۱۳: ۴/۷۶). همچنین صاحب *جوهر*، این نظر را به مشهور امامیه نسبت داده است (نجفی، ۱۳۶۷: ۲۰/۴۳۶). به نظر ابن زهره گرچه برخی فقها سرمه معطر را مکروه دانسته‌اند، اما استفاده از آن حرام است (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۱۶۹).

خوب است به این نکته توجه شود که بنا بر قول به عدم جواز استفاده از سرمه معطر، اگر علت این حرمت، ممنوعیت استفاده از طیب در حال احرام باشد، در این صورت، ذات سرمه نمی‌تواند دخالتی در حکم داشته باشد و می‌توان گفت که بحث از حرمت سرمه معطر، به حرمت استفاده از طیب در حال احرام برمی‌گردد و در حقیقت، بحث از آن، خارج از محل نزاع یعنی سرمه خواهد بود.

قول دوم- کراهت: استفاده از سرمه معطر که بسیاری از فقها آن را حرام دانسته‌اند، از سوی برخی فقها مکروه دانسته شده است. ابن زهره قول به کراهت استفاده از سرمه معطر را به برخی اصحاب نسبت داده است (همان). علامه حلی قول به کراهت را به ابن براج نسبت داده و خود ادله‌ای بر حرمت اقامه کرده که به نظر او برای بطلان قول ابن براج کافی است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴/۷۶).

دلایل نظریه حرمت

برای قول به حرمت استفاده از سرمه معطر، به ادله زیر استناد شده است:

۱- اجماع: برخی فقها حرمت استفاده از سرمه معطر را اجماعی دانسته‌اند (همو، ۱۴۱۴: ۳۲۴/۷؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۱۶۹).

۲- احتیاط: به نظر برخی فقها اگر از روایات سرمه، حرمت استفاده از آن ثابت نشود، حداقل شک ایجاد می‌شود. در این صورت، احتیاط اقتضا می‌کند که از آن اجتناب کنیم (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۱۶۹).

۳- دو دسته از روایات تروک در حج نیز بر این مطلب دلالت می‌کنند: دسته نخست: روایاتی در مورد محرم که مضمون آن‌ها «مسّ الطیب حرام» می‌باشد. این جمله اطلاق دارد و مسّ خارجی و داخلی هر دو را شامل می‌شود؛ مانند روایت معاویه بن عمار از امام صادق ع:
 «لَا تَمَسَّ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ وَلَا مِنَ الدَّهْنِ، وَأَمْسِكْ عَلَى أَنْفِكَ مِنَ الرِّيحِ الطَّيِّبَةِ...» (حز عاملی، ۱۴۱۴: ۴۴۴/۱۲).

دسته دوم: روایاتی که می‌فرمایند: «شمّ الطیب حرام». واضح است کسی که سرمه خوشبو کشیده است، طبعاً آن را استشمام نیز می‌کند. از این روایات است:
 «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَمَسَّ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ وَلَا مِنَ الدَّهْنِ فِي إِحْرَامِكَ، وَأَتَّقِ الطَّيِّبَ فِي طَعَامِكَ، وَأَمْسِكْ عَلَى أَنْفِكَ مِنَ الرَّائِحَةِ الطَّيِّبَةِ - وَلَا تَمْسِكْ عَلَيْهِ مِنَ الرَّائِحَةِ الْمُتَنَبِّئَةِ فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَتَلَدَّذَّ بِرِيحِ طَيِّبَةٍ» (همان: ۴۴۳/۱۲).

۴- دسته‌ای از روایات باب ۳۳ تروک که در آن‌ها از سرمه‌ای که در آن طیب وجود دارد، نهی به عمل آمده است؛ از قبیل: روایت عبدالله بن سنان از امام صادق ع:
 «يَكْتَحِلُ الْمُحْرِمُ إِنْ هُوَ رَمِدٌ، بِكُحْلِ لَيْسَ فِيهِ زَعْفَرَانٌ» (همان: ۴۶۹/۱۲)؛ محرم در صورت ابتلا به چشم‌درد، از سرمه‌ای استفاده کند که در آن زعفران [کنایه از بوی خوش] نباشد.

لازم به ذکر است که زعفران در میان عرب‌ها به عنوان بوی خوش و عطریات تلقی می‌شده است. همچنین است روایت هارون بن حمزه از امام صادق ع:

«لَا يَكْحُلُ الْمُحْرِمُ عَيْنَيْهِ بِكُحْلِ فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَلْيَكْحُلْ بِكُحْلِ فَارِسِيٍّ» (همان)؛ محرم از سرمه‌ای که آغشته به زعفران است، استفاده نکند. اگر خواست سرمه بکشد، از سرمه فارسی [که ظاهراً معطر نبوده و در آن زعفران به کار نمی‌رفته است] استفاده کند.

حدیث دیگر، حدیث ابان از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام است که گرچه مرسله است، ولی از آنجا که ابان از اصحاب اجماع می‌باشد، مشکلی از این جهت به وجود نمی‌آید:

«إِذَا اسْتَكَى الْمُحْرِمُ عَيْنَيْهِ فَلْيَكْحُلْ بِكُحْلِ لَيْسَ فِيهِ مِسْكٌ وَلَا طِيبٌ» (همان: ۴۷۰/۱۲)؛ اگر محرم ناراحتی چشم داشت، از سرمه‌ای استفاده کند که در آن مشک یا عطر به کار نرفته است.

آخرین حدیث از محمد بن مسلم از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام است:

«يَكْتَحِلُ الْمُحْرِمُ عَيْنَيْهِ إِنْ شَاءَ بِصَبْرٍ لَيْسَ فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَلَا وَرْسٌ»^۲ (همان: ۴۷۱/۱۲)؛ محرم اگر خواست از دارو به عنوان سرمه استفاده کند، از دارویی که در آن زعفران و گیاه خوشبو به کار نرفته، استفاده نماید.

دلایل نظریه کراهت

ادله حرمت ناتمام است؛ زیرا اولاً اجماع مورد ادعا مدرکی است. ثانیاً ادله طیب اختصاص به مس ظاهر بدن دارد و مس داخلی را شامل نمی‌شود. ثالثاً روایات باب ۳۳ چون با جمله خبریه آمده است، دلالت بر حرمت ندارد؛ همان طور که محقق نراقی به این مطلب اشاره کرده است:

«وَأَمَّا الْكَرَاهَةُ: فَلَمَّا مَرَّ مِنَ الْمَطْلَقَاتِ وَالْمَقِيدَاتِ بِالْأَسْوَدِ الْقَاصِرَةِ عَنِ إِفَادَةِ الْحَرَمَةِ، لِمَكَانِ الْجُمْلَةِ الْخَبَرِيَّةِ» (نراقی، ۱۴۱۷: ۴۳/۱۲).

رابعاً بر فرض شک در حرمت، ما در اینجا به اصل عدم حرمت تمسک می‌کنیم. این مطلب نیز از مفهوم کلام علامه حلّی استفاده می‌شود، آنجا که گفته است:

«تمسک به اصالة الإباحة در محل بحث صحیح نیست و اجتهاد در مقابل نص به شمار می‌رود» (علامه حلّی، ۱۴۱۳: ۷۶/۴).

۱. سرمه‌ای که سیاه نیست و از نوعی گیاه تهیه می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۱۵/۷).

۲. نوعی گیاه خوشبوست (جوهری، ۱۴۰۷: ۹۸۸/۳).

در جمع‌بندی میان این دو نظر باید گفت که قول به حرمت تمام است؛ زیرا ادله طیب تمام است و جملات خبریه دلالتشان بر حرمت آکد است. پس کحل اگر طیب داشته باشد، حرام است؛ چه اسود باشد و چه اسود نباشد.

حال اگر بوی سرمه از بین رفته باشد، سرمه معطر از آن انصراف دارد و بر آن صدق نمی‌کند. علاوه بر این، روایت ابن عمار قید وجود رایحه را در آن شرط کرده است. بنابراین استفاده از آن حرام نخواهد بود.

۲-۵. فرض دوم: حکم سرمه زدن به خاطر بیماری و مرض

گاهی شخص محرم در موقعیتی قرار دارد که به دلایلی از جمله بیماری، ناچار است که از سرمه استفاده کند. حکم استفاده از سرمه در این حالت چیست؟ باید گفت در فروض مختلفی که برای سرمه کشیدن متصور است، برخی از فروض شرایط سخت‌تری نسبت به بقیه فرض‌ها دارند. قوی‌ترین فرض آن است که محرم از سرمه سیاه معطر استفاده کند. اگر حکم در این فرض مشخص شود، حکم بقیه فروض نیز مشخص می‌شود. آیا در این فرض اکتحال جایز است یا نه؟ اینجا هم میان فقها دو قول وجود دارد:

قول اول- جواز: به نظر مشهور فقها اکتحال در این حالت جایز است. نراقی گفته است که با فرض ضرورت، استفاده از سرمه بی هیچ سخن و کلامی مباح است:

«أَنَّ الاکتحال إِمَّا يَكُونُ لِلضَّرُورَةِ، أَوْ لِغَيْرِهَا، ... فَالْأَوَّلُ مَبَاحٌ مُطْلَقًا بِلَا كَلَامٍ فِيهِ، كَمَا فِي الذَّخِيرَةِ» (نراقی، ۱۴۱۷: ۴۱/۱۲).

قول دوم- حرمت: به شیخ طوسی در نهاییه و مبسوط نسبت داده شده است که اکتحال در حال ضرورت نیز حرام است:

«بَلْ قِيلَ قَدْ تَعَطَّى النِّهَایَةَ وَالمَبْسُوطَ الحَرَمَةَ وَإِنْ اضْطَرَّ إِلَيْهِ» (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۴۸/۱۸).

شیخ طوسی در مبسوط گفته است که استفاده از سرمه معطر در هیچ حالی جایز نیست:

«إِلَّا إِذَا كَانَ فِيهِ طِيبٌ فَإِنَّهُ لَا يَجُوزُ عَلَيَّ حَالًا» (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۲۱/۱).

دلایل نظریه اول

برای جواز استفاده از سرمه در حال ضرورت به دلایل زیر استناد شده است:

۱. برخی برای جواز، به اصل برائت و اباحه تمسک کرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۷: ۴۱/۱۲).
۲. از جمله دلایل جواز، ادله عامه اضطرار مانند حدیث رفع می‌باشد (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۳۶۹/۱۵). همچنین ادله‌ای که می‌گویند هر حرامی هنگام اضطرار حلال می‌شود.
۳. روایات خاصه‌ای که دلالت بر جواز اکتحال در این فرض دارند؛ برای نمونه دو روایت را بیان می‌کنیم که هر دو از معاویه از امام صادق علیه السلام است و استفاده از سرمه سیاه در حدیث اول به خاطر مریضی، و در دیگری به خاطر درد جایز دانسته شده است:
- «لَا يَكْتَجِلُ الرَّجُلُ وَالْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَانِ بِالْكُحْلِ الْأَسْوَدِ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ» (همان: ۴۶۸/۱۲).
- «الْمُحْرِمُ لَا يَكْتَجِلُ إِلَّا مِنْ وَجَعٍ» (همان: ۴۷۰/۱۲).

دلایل نظریه دوم

اگر این نظریه قائل داشته باشد، ولو قائل آن فقط شیخ باشد، دلیلش چند روایت است که همگی بر فرض صحیح بودن سند و دلالتشان، مخصوص سرمه معطر هستند و از به کارگیری سرمه غیر معطر نهی نمی‌کنند.

از میان این روایات، به سه روایت اشاره می‌کنیم:

روایت اول از عبدالله بن سنان است از امام صادق علیه السلام است:

«يَكْتَجِلُ الْمُحْرِمُ إِنْ هُوَ رَمَدَ بِكُحْلِ لَيْسَ فِيهِ زَعْفَرَانٌ» (همان: ۴۷۱/۱۲). محرم اگر چشم درد دارد، از سرمه‌ای استفاده کند که فاقد زعفران است.

مفهوم این روایت آن است که اگر در آن زعفران باشد، اشکال دارد.

روایت بعدی را محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

«يَكْتَجِلُ الْمُحْرِمُ عَيْنَيْهِ إِنْ سَاءَ بَصِيرَ لَيْسَ فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَلَا وَزْرٌ» (همان: محرم اگر خواست از دارو به عنوان سرمه استفاده کند، از دارویی که در آن زعفران و گیاه خوشبو به کار نرفته، استفاده نماید).

حدیث آخر از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام است:

«لَا بَأْسَ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَكْتَجِلَ بِكُحْلِ لَيْسَ فِيهِ مِسْكٌ وَلَا كَافُورٌ إِذَا اشْتَكَى عَيْنَيْهِ...» (همان: جایز است که شخص محرم از سرمه بدون مشک و کافور استفاده کند).

یعنی اگر مشک و کافور داشته باشد، حتی در صورت اضطرار استفاده از آن جایز نیست.

در جمع‌بندی میان این اقوال می‌گوییم که قول به اباحه در صورت ضرورت، جزء ضروریات فقه است. لذا باید برای رد آن دلیل محکمی داشته باشیم. صاحب‌جوهر در پاسخ قائلان به حرمت گفته است:

«وإن كان هو واضح الضعف أيضاً، لعموم ما دلّ على الإباحة معها على وجه لا يخرج عنه بمثل ذلك» (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۴۸/۱۸).

به علاوه روایات دال بر منع، مورد اعراض فقها قرار گرفته‌اند؛ لذا حجت نیستند.

۳-۵. فرض سوم: استفاده از سرمه سیاه بدون طیب و بدون قصد زینت
 اکنون جای این سؤال است که حکم استفاده از سرمه سیاه غیر معطر و بدون زینت یا بدون قصد زینت در حال احرام چیست و فقها در این خصوص چه نظری دارند؟ در این مورد نیز میان فقها دو نظر عمده وجود دارد:

نظر اول- حرمت: اکثر فقها استفاده از سرمه سیاه را مطلقاً برای شخص محرم ممنوع دانسته‌اند. از نظر آنان، ذات سرمه سیاه متعلق حکم قرار گرفته است و قصد یا عدم قصد زینت و نیز معطر بودن یا نبودن آن، تأثیری در حکم فوق ندارد. شیخ طوسی در کتاب‌های *مبسوط* و *نهایه* به طور مطلق استفاده از سرمه سیاه را جایز ندانسته است (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۲۱/۱؛ همو، بی‌تا: ۲۲۰). علامه حلّی نیز بر همین نظر است (علامه حلّی، ۱۴۱۴: ۳۲۴/۷). حرمت استفاده از سرمه سیاه به شیخ مفید (فاضل‌آبی، ۱۴۰۸: ۳۵۹/۱)، سلّار و ابن‌ادریس نیز نسبت داده شده است (علامه حلّی، ۱۴۱۳: ۷۴/۴). صاحب‌حدائق فرموده است که مشهور فقها قائل به تحریم می‌باشند (بحرانی، بی‌تا: ۴۵۰/۱۵). ایشان ضمن تقویت قول مشهور، قول شیخ صدوق را مبنی بر تقیید حرمت به قصد زینت، صحیح ندانسته است (همان: ۴۵۲/۱۵).

نظر دوم- عدم حرمت: نظریه دوم این است که اکتحال با این توصیف، حداکثر مکروه است (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۳/۲؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۴۳/۱۲). محقق اردبیلی شرط حرمت را قصد زینت دانسته است (اردبیلی، بی‌تا: ۲۹۳/۶). همان‌طور که گذشت، از کلام صاحب

حدائق نیز به دست می‌آید که شیخ صدوق استفاده از سرمه سیاه را فقط با قصد زینت حرام می‌داند.

طبق این قول می‌توان گفت که سرمه سیاه حرمت ذاتی ندارد، بلکه حرمت آن در صورتی است که به قصد زینت استفاده شود. این مطلب از ظاهر برخی روایات فهمیده می‌شود؛ برای مثال، حدیثی از زراره نقل شده که در آن استفاده از همه انواع سرمه جایز دانسته شده است، به جز سرمه سیاه به قصد زینت:

«تكتحل المرأة بالكحل كله إلا الكحل الأسود للزينة» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۴۶۸/۱۲).

همان طور که ملاحظه می‌شود، در این روایت حرمت استفاده از سرمه سیاه مقید به قصد زینت شده است.

همچنین در روایتی از حلبی آمده است:

«سألت أبا عبد الله عليه السلام عن المرأة تكتحل وهي محرمة. قال: لا تكتحل. قلت: بسواد ليس فيه طيب؟ قال: فكرهه من أجل أنه زينة، وقال: إذا اضطررت إليه فلتكتحل» (همان: ۴۷۱/۱۲).

کراهت امام از استعمال سرمه در این روایت، چه خود امام اظهار کراهت فرموده باشد و چه امام این لفظ را به کار نبرده باشند و راوی کراهت را برداشت کرده باشد، و چه از آن حرمت یا کراهت اصطلاحی را برداشت کنیم، مقید به زینت بودن سرمه شده است. بنابراین چنانچه سرمه زینت نباشد، حکم حرمت یا کراهت شامل آن نمی‌شود.

در روایتی دیگر، استفاده از سرمه غیر معطر بدون آنکه زینت باشد، جایز دانسته شده است:

«لا بأس أن يكتحل وهو محرم بما لم يكن فيه طيب يوجد ريحه، فأما للزينة فلا» (همان: ۴۶۸/۱۲).

ظاهر روایت اخیر، جواز استفاده از سرمه سیاه غیر معطر بدون قصد زینت می‌باشد؛ زیرا صدر روایت، استفاده از سرمه غیر معطر را جایز دانسته که شامل سرمه سیاه نیز می‌شود. ذیل روایت، استفاده از سرمه را با قصد زینت جایز نمی‌داند که مفهوم آن،

جواز به کار بردن سرمه بدون قصد زینت است. اگر امری ذاتاً جایز نباشد، نمی‌توان علت عدم جواز را به خارج از آن نسبت داد. با این توضیح اگر سرمه سیاه به خاطر زینت بودن ممنوع باشد، چنان که از ذیل روایت فهمیده می‌شود، اگر حرمتش به خاطر ذاتش باشد، ذیل و صدر روایت با یکدیگر مطابق نخواهند بود؛ زیرا صدر روایت، هر سرمه‌ای را که معطر نباشد، جایز می‌داند و این عموم شامل سرمه سیاه هم می‌شود. ذیل روایت، علت عدم جواز را زینت بودن آن دانسته است که وصفی خارج از ذات است و این با ذاتی بودن علت منع در سرمه سیاه سازگاری ندارد (جوادی آملی، بی‌تا: ۴۰۲/۲).

دلایل قول به عدم حرمت

۱- برخی احادیث، حرمت استفاده از سرمه سیاه را مقید به قصد زینت یا معطر بودن کرده‌اند. مفهوم این روایات آن است که اگر این دو قید وجود نداشته باشد، استفاده از سرمه اشکال ندارد. در این روایات معمولاً عبارت «لا بأس» به کار رفته است؛ برای نمونه، در حدیث معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام آمده است: «استفاده از سرمه غیر معطری که بوی آن استشمام نمی‌شود، در حال احرام اشکال ندارد؛ اما در صورت قصد زینت جایز نیست» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۴۶۸/۱۲؛ نیز برای روایتی با مضمون مشابه از همان راوی، ر.ک: همان: ۴۷۰/۱۲).

همچنین در حدیثی از زراره، استفاده از مطلق سرمه جایز دانسته شده است، مگر سرمه سیاه به قصد زینت (همان: ۴۶۸/۱۲).

۲- تمسک به اصل، به این بیان که ما شک داریم اکتحال حرام است یا نه؟ شک در تکلیف و مجرای آن برائت است.

۳- شیخ طوسی در کتاب *خلاف* (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۳/۲) و *اقتصاد* (همو، ۱۴۰۰: ۳۰۲)، استفاده از سرمه سیاه را مکروه می‌داند. در توضیح این مطلب می‌توان گفت که برخی روایات از مطلق سرمه به جز در مقام معالجه نهی کرده‌اند؛ مثل صحیححه معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام:

«لا یتحل الرجل والمرأة المحرمان بالکحل الأسود إلا من علّة» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۴۶۸/۱۲)؛ زن و مرد محرم از سرمه سیاه جز برای معالجه استفاده نکنند.

دسته‌ای دیگر از روایات، سرمه غیر معطر و بدون قصد زینت را جایز دانسته‌اند؛ همانند حدیث دیگری از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام:
 «لا بأس أن یکتحل وهو محرم بما لم یکن فیہ طیب یوجد ریحه، فأما للزینة فلا» (همان).

روایاتِ جواز، نص هستند و مقدم بر ظهورِ روایات منع می‌باشند. جمع بین دو دسته روایات اقتضا می‌کند که روایات منع را حمل بر کراهت کنیم.
 محقق خوانساری در *جامع المدارک* گفته است: ما دو طایفه روایت داریم؛ طایفه اول که «أكثر عددًا وأصحّ سندًا» می‌باشند، اکتحال را حرام می‌شمرند. طایفه دوم احادیثی مثل حدیث معاویه از امام صادق علیه السلام است (همان: ۴۷۰/۱۲) که در آن‌ها عبارت «لا بأس بالاکتحال» آمده است. این عبارت ظهور در جواز اکتحال به قول مطلق «ما عدا الطیب والزینة» دارد؛ چه اسود باشد یا نه. قهراً تنافی بین طایفه اول و دوم، تنافی بین نفی و اثبات است و دو دسته روایات، متعارضین می‌باشند (خوانساری، ۱۳۶۴: ۴۱۵/۲). سپس ایشان میل به این پیدا کرده است که «لا بأس» را مقدم کنیم و از ظهور ادله حرمت دست برداریم و آن را حمل بر کراهت کنیم.

۴- دلیل دیگری هم از محقق نراقی وجود دارد که قبلاً آن را بیان کردیم؛ به این بیان که روایات حرمت با جمله خبریه آمده‌اند و جملات خبریه دلالت بر حکم انشایی نمی‌کنند. بنابراین نمی‌توان از آن‌ها حرمت را برداشت کرد.

دلیل نظریه حرمتِ سرمه سیاه به طور مطلق

برای حرمت استفاده از مطلق سرمه سیاه، به برخی روایات استدلال شده است که در آن‌ها نهی از سرمه سیاه به طور مطلق آمده است. به چند روایت اشاره می‌شود:
 روایت اول، صحیححه معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام است:
 «زن و مرد محرم از سرمه سیاه جز برای معالجه استفاده نکنند» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۴۶۸/۱۲).

روایت دیگر، صحیححه حریر از امام صادق علیه السلام است:
 «زن محرم نباید از سرمه سیاه استفاده کند؛ زیرا سرمه سیاه زینت است» (همان: ۴۶۹/۱۲).

در این حدیث، استفاده از سرمه سیاه به طور مطلق مورد نهی قرار گرفته و تعلیلی هم برای آن آورده شده است که عبارت است از زینت بودن سرمه سیاه. بر اساس این تعلیل، انفکاک زینت از سرمه سیاه ممکن نیست و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. بنابراین استفاده از سرمه سیاه مطلقاً اشکال دارد.

در روایتی که عبدالله بن یحیی کاهلی از امام صادق ع نقل کرده است، آن حضرت فقط در صورت ضرورت، سرمه کشیدن را مجاز دانسته و در غیر این مورد از به کارگیری سرمه نهی فرموده است (همان: ۴۷۰/۱۲).

در صحیح حلی از امام صادق ع، ابتدا آن حضرت از استعمال سرمه توسط زن محرمه نهی می‌فرماید. آنگاه راوی می‌گوید که امام ع به خاطر زینت بودن، از آن اکراه ورزیده است. در انتها امام اجازه می‌فرماید که در صورت ضرورت، از سرمه استفاده شود (همان: ۴۷۱/۱۲) عبارت «فکره» در روایت، به قرینه قبل و بعدش به معنای حرمت می‌باشد؛ به این بیان که کراهت از یک سو بعد از لای ناهیه آمده است و از سوی دیگر بعد از آن، اضطراب ذکر شده است؛ آنجا که امام ع فرمود: «اگر مضطر شدی، سرمه بکش». اگر این کار مکروه باشد، اضطراب معنا ندارد. از استثناء اضطراب فهمیده می‌شود که مراد از کراهت حرمت است.

در روایت دیگری که از نصر بن سويد نقل شده است، امام جواز استفاده از سرمه را مقید به مرض فرموده است (همان) و بالاخره از پیامبر ص نقل شده است که فرمود: «حاجی ژولیده مو و غبارآلود است» (علامه حلی، بی‌تا: ۳۳۶/۱). به نظر علامه، این فرمایش پیامبر ص با استفاده از سرمه منافات دارد (همو، ۱۴۱۴: ۳۲۵/۷). بر اساس این برداشت علامه حلی، استفاده از سرمه سیاه تحت شمول حدیث فوق قرار می‌گیرد و در نتیجه استفاده از آن برای محرم مطلقاً جایز نیست.

قائلان به حرمت، از ادله کراهت جواب داده و گفته‌اند که اولاً اصل در جایی است که دلیل نداشته باشیم. ثانیاً دلالت جملات خبریه در مقام انشاء از جملات انشاییه آکد در وجوب یا حرمت است. ثالثاً کلام محقق خوانساری خالی از اشکال نیست؛ زیرا احادیث گروه دوم مطلق هستند و اکتحال را مطلقاً جایز دانسته‌اند، چه اسود باشد و چه غیر اسود. اما روایات حرمت، حرمت کحل اسود را می‌گویند و این دو طایفه،

مطلق و مقید هستند، نه متعارضین.

جواب به ادله قائلان به حرمت

در پاسخ کسانی که قائل به حرمت استفاده از سرمه سیاه به طور مطلق هستند، می‌توان گفت:

اولاً گرچه این روایات مطلق هستند و استفاده از سرمه سیاه را به طور مطلق بر محرم حرام می‌دانند، اما از آنجا که سرمه سیاه غالباً برای زینت به کار می‌رود، تمسک به این اطلاقات برای ثبوت حرمت در افراد نادر صحیح نیست و غلبه فوق، سبب انصراف اطلاقات به افراد غالب می‌شود؛ یعنی جایی که سرمه سیاه به قصد زینت به کار می‌رود. در نتیجه می‌گوییم که مقصود از این روایات، حرمت استفاده از سرمه سیاه در صورت قصد زینت است.

ثانیاً در بسیاری از این احادیث آمده است که «إِنَّ السَّوَادَ مِنَ الزَّيْنَةِ» و زینت به عنوان علت حرمت ذکر شده است «وَالْعَلَّةُ تَعَمَّمُ». بنابراین هر جا زینت نباشد، حرمت نخواهد بود.

ثالثاً بر فرض قبول اطلاق روایات مطلق، برخی از روایات بالوضع دلالت بر حلیت سرمه سیاه بدون قصد زینت دارند؛ زیرا در آنها از کلمه «كُلٌّ» استفاده شده است. روشن است که دلالت بالوضع بر اباحه و حلیت، از دلالت اطلاقات بر حرمت قوی‌تر است و بر آن تقدم دارد.

در مورد قید «زینت» که در برخی روایات آمده است، برخی گفته‌اند که این قید، مانند قید «فی حجورکم»، قید غالبی است. اگر این طور باشد و «زینت» قید غالبی در نظر گرفته شود، استفاده از سرمه سیاه مطلقاً حرام خواهد بود. اما اگر «زینت» قید غالبی نباشد، در صورت قصد زینت از سرمه سیاه، استفاده از آن حرام و بدون قصد زینت اشکال ندارد.

در پاسخ به این مطلب، چند جواب می‌توان ارائه کرد:

اولاً اینکه قید «زینت» بیان امر خارجی باشد؛ یعنی اینکه امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده باشد سواد در خارج زینت محسوب می‌شود، مورد قبول نیست؛ چرا که بیان این مطلب،

خلاف جایگاه ائمه عليهم السلام است. ائمه در مقام بیان احکام و تشریح هستند و غیر آن، یعنی بیان موضوعات خارجی، قرینه لازم دارد.

ثانیاً همان گونه که ملاحظه شد، در برخی روایات عبارت «إلا الكحل الأسود للزينة» آمده است که در آن‌ها موضوع حرمت دو جزء دارد: یکی اسود بودن و دیگری قصد زینت داشتن.

ثالثاً در صورت شک در قید غالبی بودن یا نبودن «زینت» که نتیجه آن شک در حرمت است، به اصالة الاباحه و اصل عدم حرمت تمسک می‌کنیم و حکم به حلیت آن می‌نماییم.

در مجموع می‌توان گفت که در صورت شک در حرمت استفاده از سرمه سیاه بدون قصد زینت و بدون طیب، حکم به جواز استفاده از آن می‌کنیم و دلیل بر این مطلب در مقام شک، تمسک به اصل می‌باشد؛ آن گونه که محقق اردبیلی گفته است (اردبیلی، بی‌تا: ۲۹۳/۶). به عبارت دیگر، به دلیل گوناگونی روایات باب سرمه و احتمالات مختلفی که در مورد مفاد آن‌ها وجود دارد، به گونه‌ای که انسان را به یقین مشخصی نمی‌رساند و شک را از او بر طرف نمی‌کند، می‌توان به اصالة الاباحه تمسک کرد و در نتیجه حرمت استفاده از سرمه را اساساً منتفی دانست.

۴-۵. فرض چهارم: استفاده از سرمه غیر سیاه به قصد زینت

فرض دیگری که در مورد استفاده از سرمه ممکن است برای محرم اتفاق بیفتد، استفاده از سرمه غیر سیاه به قصد زینت است. در این مورد نیز میان فقها دو نظر وجود دارد:

نظر اول - حرمت: محقق اردبیلی (همان) و امام خمینی (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۴۲۲/۱) قائل به این نظر هستند. برای این نظر به دو دسته از روایات استدلال شده است:

دسته اول: روایاتی که استفاده از سرمه را به قصد زینت حرام دانسته‌اند و در آن‌ها عبارت «أما للزينة فلا» به کار رفته است؛ برای نمونه می‌توان احادیث ۱ و ۸ باب ۳۳ وسائل الشیعه را از این دسته به شمار آورد (حز عاملی، ۱۴۱۴: ۴۶۸/۱۲ و ۴۷۰).

دسته دوم: روایاتی که در آن‌ها علت حرمت اکتحال، زینت بودن سرمه دانسته شده

است. می‌توان به عموم علت در این روایات تمسک کرد و نتیجه گرفت که سرمه حتی اگر سیاه هم نباشد، ولی به قصد زینت استفاده شود، حرام است. عبارت «فکرهه من أجل أنه زينة» در صحیحہ حلبی (همان: ۴۷۱/۱۲) و عبارت «لا تکتحل المرأة المحرمة بالسواد؛ إن السواد زينة» در روایت حریر (همان: ۴۶۹/۱۲) و عبارت «إلا كحل أسود لزينة» (همان: ۴۷۱/۱۲) همین معنا را می‌رسانند.

نظر دوم - جواز: در مقابل نظر اول، یعنی حرمت استفاده از سرمه غیر سیاه به قصد زینت، قول به جواز آن قرار دارد. عده‌ای استفاده از این سرمه را ولو به قصد زینت بلااشکال می‌دانند. دلایلی به شرح ذیل برای این نظر اقامه شده است:

الف) دلیل اول اجماع است (اردبیلی، بی‌تا: ۲۹۳/۶).

ب) دلیل دوم برخی از روایات است؛ برای نمونه به چند روایت اشاره می‌شود:

- «زن محرم می‌تواند از هر نوع سرمه‌ای استفاده کند، مگر سرمه سیاه به قصد زینت»^۱ (حز عاملی، ۱۴۱۴: ۴۷۱/۱۲).

- «محرم نباید از سرمه‌ای که در آن زعفران به کار رفته، استفاده کند؛ ولی استفاده از سرمه فارسی اشکالی ندارد» (همان: ۴۶۹/۱۲).

- «استفاده از سرمه سیاه جایز نیست؛ اما از صبر و حضض^۲ می‌تواند استفاده کند».

در روایت اخیر، امام علیه السلام استفاده از سرمه سیاه را ممنوع، ولی استفاده از دو نوع سرمه دیگر را جایز دانسته است.

ج) هیچ کدام از روایات اکتحال دلالت بر حرمت ندارند؛ چه به سرمه سیاه باشد یا غیر سیاه، و چه به قصد زینت استفاده شود یا به قصدی دیگر؛ زیرا جملات به کار رفته در روایات، خبریه‌اند و جمله خبریه دلالت بر حکم انشایی ندارد. لذا همان طور که استفاده از سرمه سیاه به قصد زینت جایز است، استفاده از سرمه غیر اسود هم به قصد زینت جایز است (نراقی، ۱۴۱۷: ۴۳/۱۲).

د) شک داریم که اکتحال به غیر اسود برای زینت جایز است یا نه؟ شک در اصل

۱. چندین حدیث بدین مضمون وجود دارد.

۲. صبر نوعی گیاه است که طعمی تلخ دارد (جوهری، ۱۴۰۷: ۷۰۶/۲) و حضض نیز نوعی دارو و شیرهای تلخ است (همان: ۱۰۷۱/۳).

تکلیف است؛ اصل برائت یا اصالة الحلیه جاری می‌کنیم.

در مقام قضاوت و انتخاب یکی از دو نظر باید گفت که لازم است نسبت میان روایات مجوزه و روایات محرمه سنجیده شود. ظاهراً نسبت این دو دسته روایات، عموم و خصوص من وجه است. دسته‌ای از روایات، اکتحال برای زینت را مطلقاً حرام می‌دانند، چه اسود و چه غیر اسود؛ مثل حدیث ۱ (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۲/۴۶۸). دسته‌ای دیگر از روایات، اکتحال به غیر اسود را جایز می‌دانند، چه به قصد زینت باشد و چه به قصدی دیگر؛ مثل حدیث ۳ (همان). محل اختلاف، اکتحال به غیر اسود به قصد زینت است.

در چنین مواردی باید سراغ اقوی الدلیلین برویم. در ابتدا به نظر می‌رسد که روایات مجوزه به خاطر دلالت لفظیه یعنی کلمه «کُلُّ» قوی‌تر از روایات محرمه که اطلاق دارند، باشند و لذا مقدم می‌شوند. اما وقتی دقیق‌تر به مسئله نگاه کنیم، می‌بینیم که برای هر دو طرف، قرینه وجود دارد و نمی‌توان یک طرف را از طرف دیگر، قوی‌تر به حساب آورد. لذا باید گفت که تعارض و تساقط اتفاق می‌افتد. در نتیجه در اینجا نمی‌توان به این دو دسته روایت تمسک کرد.

اجماع نیز قابل اثبات و مورد قبول نیست. همچنین موهون بودن عدم دلالت جمله خبریه بر انشاء کاملاً آشکار است.

باقی می‌ماند اصل. آیا در اینجا می‌توان به اصل تمسک کرد و حکم به جواز استفاده از سرمه غیر سیاه به قصد زینت نمود؟ می‌گوییم که پاسخ منفی است؛ زیرا عموم علت در روایاتی که در آن‌ها عبارت «لأنّه زینة» آمده بود، شامل این فرض می‌شود و با بودن عموم علت، جای شک نیست که به اصل تمسک کنیم. نتیجه آن است که استفاده از سرمه غیر سیاه به قصد زینت نیز حرام است.

۵-۵. فرض پنجم: استفاده از سرمه غیر سیاهی که در نزد عرف زینت

به حساب نمی‌آید

آخرین فرضی که مطرح می‌کنیم، حکم استفاده از سرمه غیر سیاهی است که زینت نیست. به نظر می‌رسد استفاده از این سرمه برای شخص محرم جایز باشد. در

این مسئله، قائل به حرمت وجود ندارد. دلیل بر این مطلب نیز مفهوم تعدادی از روایات می‌باشد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. در حدیث معاویة بن عمار آمده است: «شخص محرم می‌تواند از هر سرمه‌ای که در آن بوی خوش استشمام نشود، استفاده کند، مگر به قصد زینت» (همان).

در حدیث زراره، استفاده از همه انواع سرمه مجاز دانسته شده است، به جز سرمه سیاه به قصد زینت (همان). همین مضمون در حدیث دیگری نیز آمده است (همان: ۴۷۱/۱۲). در حدیث هارون بن حمزه نیز فقط از سرمه‌ای که در آن زعفران وجود دارد یعنی سرمه معطر، نهی به عمل آمده است (همان: ۴۶۹/۱۲).

نتیجه‌گیری

فقها یکی از محرمات احرام را اکتحال یعنی استفاده از سرمه دانسته‌اند. استفاده از سرمه، فروض و حالت‌های گوناگونی دارد. در این جستار به بررسی اجمالی پنج فرض از فروض فوق پرداخته و در هر فرض به اقوال مهم فقها در مورد حکم استفاده از سرمه با روایات و ادله آن اشاره نموده‌ایم. در فرض اول یعنی استفاده از سرمه معطر، گرچه عده‌ای قائل به کراهت هستند، اما قول به اینکه مطلقاً حرام است، تقویت می‌شود. اما حرمت آن به خاطر اکتحال نیست، بلکه به خاطر حرمت استفاده از هر گونه طیب برای شخص محرم است. در فرض دوم یعنی استفاده از سرمه به دلیل ضرورت و مداوا، گرچه بزرگانی چون شیخ طوسی فتوا به حرمت داده‌اند، اما قول به جواز در این حالت تقویت می‌شود. در فرض سوم یعنی استفاده از سرمه سیاه فاقد طیب بدون قصد زینت، باز دو قول در میان فقها وجود دارد. عده‌ای آن را حرام شمرده و سرمه سیاه را در هر حال زینت دانسته‌اند؛ اما در نهایت، قول دیگر تقویت می‌شود و به این نتیجه می‌رسیم که استفاده از سرمه سیاه فاقد طیب بدون قصد زینت برای محرم جایز است. در فرض چهارم، استفاده از سرمه غیر سیاه به قصد زینت مورد بررسی قرار گرفته که نتیجه، حرمت استفاده از آن است؛ اما علت حرمت به زینت برمی‌گردد نه به سرمه. بالاخره در انتها، درباره استفاده از سرمه غیر سیاه با فرض عدم قصد زینت بحث شده که حکم جواز استفاده از آن تقویت می‌شود.

از مجموع مباحث این نوشتار می‌توان به این نتیجه رسید که ذکر اکتحال به عنوان یکی از محرمات احرام که توسط فقها در کتاب حج متعارف است، مورد قبول همه فقها نیست و قابل نقد و خدشه است؛ چرا که بررسی روایات اکتحال، حرمت اکتحال را فقط در صورت دارا بودن طیب یا قصد زینت حرام می‌داند و این دو خصوصیت است که موجب حرمت اکتحال می‌شود و در صورت انتفاء این دو قید، استفاده از سرمه اشکالی ندارد.

کتاب شناسی

۱. ابن بزّاج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز بن نحریر، المہذب، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۲. ابن زہرہ حلبی، سید حمزہ بن علی حسینی، غنیۃ النزوع الی علمی الاصول والفروع، قم، مؤسسہ امام صادق (علیہ السلام)، ۱۴۱۷ ق.
۳. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الازہان الی احکام الایمان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراہیم، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۶. تمیمی مغربی، ابوحنیفہ نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، چاپ دوم، قم، مؤسسہ آل البيت (علیہم السلام) لاحیاء التراث، ۱۳۸۵ ق.
۷. جمعی از پژوهشگران، موسوعۃ الفقہ الاسلامی طبقاً لمذہب اهل البيت (علیہم السلام)، زیر نظر سید محمود ہاشمی شہرودی، قم، مؤسسہ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی بر مذہب اهل بيت (علیہم السلام)، ۱۴۲۳ ق.
۸. جوادی آملی، عبد اللہ، کتاب الحج، تقریر اباحت سید محمد محقق داماد، بی جا، بی تا.
۹. جوہری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیہ، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، چاپ چہارم، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعہ، چاپ دوم، قم، مؤسسہ آل البيت (علیہم السلام)، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، چاپ دوم، تہران، مکتبۃ الصدوق، ۱۳۶۴ ش.
۱۲. دہخدا، علی اکبر، لغتنامہ دہخدا، چاپ دوم، تہران، دانشگاہ تہران، ۱۳۷۷ ش.
۱۳. طبرسی، رضی الدین ابونصر حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، تصحیح سید علاء الدین علوی طالقانی، تہران، دار الکتب الاسلامیہ، ۱۳۷۶ ق.
۱۴. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تہران، کتابخانہ جامع چہل ستون، ۱۴۰۰ ق.
۱۵. ہمو، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. ہمو، المسوط فی فقہ الامامیہ، تہران، المکتبۃ المرتضویۃ لاحیاء الآثار الجعفریہ، ۱۳۸۷ ق.
۱۷. ہمو، النہایۃ فی مجرد الفقہ و الفتاوی، قم، قدس محمدی، بی تا.
۱۸. علامہ حلی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف بن مطہر اسدی، تذکرۃ الفقہاء، قم، مؤسسہ آل البيت (علیہم السلام)، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. ہمو، مختلف الشیعة فی احکام الشریعہ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. ہمو، منتهی المطالب فی تحقیق المذہب، بی جا، بی تا.
۲۱. عمید، حسن، فرہنگ فارسی عمید، تہران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.
۲۲. فاضل آبی، زین الدین حسن بن ابی طالب یوسفی، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۸ ق.

۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. محقق حلّی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. معین، محمد، فرنگ معین، چاپ چهارم، تهران، ادنا، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، تحریر الوسیله، چاپ دوم، نجف، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۰ ق.
۲۸. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۲۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، مشهد، مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۱۷ ق.
۳۰. نوری طبرسی، میرزا حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البتیة، ۱۴۰۸ ق.